■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۳۳ ■ یکشنبه ■ ۱۴ دی ۱۳۹۹

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۹ | اذان مغرب ۱۷/۲۴ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۴ | اذان صبح فردا ۵/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۵

سخن روز

**امام علی(ع):** مؤمن آن کسی است که خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بیندازد و دیگران از او در امنیت و آسایش باشند.

بحارالأنوار:ج۷۵،ص۵۳،ح۱۰

## سید مجتبی حسینی: برخی از جشنواره‌ها باید برند ملی و بین‌المللی شوند

**امروز بیش از ۲۶۰ جشنواره در حوزه‌های مختلف هنر با حمایت معاونت هنری در حال برگزاری است. بعضی از این جشنواره‌ها می‌تواند برگزار نشود و بیشتر فرصت‌سوزی است. برخی از این جشنواره‌ها نیز بسیار ارزشمند و متفاوت است و بعضی دیگر می‌توانند و باید تبدیل به یک برند خاص ملی و بین‌المللی شوند. به‌عنوان مثال جشنواره تئاتر فجر توانسته جای خود را در عرصه ملی یا بین‌المللی پیدا کند. جشنواره موسیقی فجر نیز از رویدادهای باسابقه و مهم در عرصه ملی است که اگر با تعامل و تأمل، کیفیت این رویداد ارتقا یابد دور و دیر نخواهد بود که این جشنواره نیز بتواند در سطح بین‌المللی، وجود و حضور تأثیرگذار خود را بهتر و بیشتر اعلام کند، کما اینکه در منطقه نیز بویژه در سال‌های اخیر، تعداد جشنواره‌های موسیقی تحت عنوان «موسیقی مقامی» که می‌تواند مترادف حوزه «موسیقی اصیل» در نظر گرفته شود، کم نیست.**

معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست هیأت انتخاب سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر از شرایط جشنواره سخن گفت.

**معمولاً دیگران را بسیار واضح‌تر از خودمان می‌بینیم (به همین دلیل است که اغلب از دیگران ناراحت می‌شویم و به ندرت از خودمان.**

هنر خوب زندگی کردن
نویسنده: رولف دوبلی
مترجم: بهزاد توکلی
عادل فردوسی‌پور
علی شهروز ستوده

نـــگاره
احسان نوری نجفی

برای سرودن اشک
قطره‌ای باران کافی‌است
کرامت یزدانی

## #مرد_میدان

**هشتگ**

۱۳ دی و سالگرد شهادت سردار قاسم سلیمانی باعث شد کاربران با هشتگ‌هایی مانند مرد میدان و HERO (قهرمان) از او بنویسند. عکس‌های زیادی از سردار سلیمانی و مراسم تشییع او در شبکه‌های اجتماعی می‌دیدیم و فیلم‌هایی هم درباره رفتار و ارتباط شهید سلیمانی با مردم بازنشر می‌شد. کاربران زیادی هم کارها و رشادت‌های شهید سلیمانی را یادآوری می‌کردند: «جان وطن کجاستی...»، «شهادت سلیمانی یک حادثه تاریخی است، یک حادثه معمولی نیست که از یاد تاریخ برود؛ این در تاریخ ثبت شد به‌عنوان یک نقطه روشن.»، «آیا تاکنون مراسم یک افسانه را دیده‌اید؟»، «رمز ماندگاری سردار سلیمانی این است که سرباز واقعی وطن بود و چیزی بیش از این سربازی و وطن‌خواهی نخواست. متاع کمیابی است این روزها که صف برخی نظامیان برای پست های ریز و درشت تشکیل شده است.»، «در دنیایی که انسان‌هایش برای محبوبیت و شهره شدن دست به هرکاری می‌زنند، تو ثابت کردی که بی‌هیاهو بهتر می‌شود محبوب و مشهور شد.»، «سوزاندن ریشه تروریسم توسط سردار سلیمانی در سوریه‌ای که تمام دنیای استکبار پشت سر داعش و علیه ملت انقلابی سوریه صف کشیده بودند، تمام معادله‌های غرب را نقش برهم زد.»، «یک سال از شهادت سردار قاسم سلیمانی گذشت اما دریغ از یک اثر هنری خوب و خوش آوا که بشه زیر لب زمزمه کرد وقت که بود. بعیده کسی بگه پول نبود. هرچند خلق این آثار بیشتر از پول ذوق می‌خواد»، «شهید حاج قاسم سلیمانی برای داعش خونخوار یک وحشت بود. از ترسش می‌لرزیدند، از بین رفتن قوای داعش در عراق و سوریه توسط مرد میدان آنان را از آمدن به افغانستان محو کرد.»، «قاسم سلیمانی با اینکه ژنرال بود، در بین مردم زندگی می‌کرد، به درد دل هایشان گوش می‌داد، او یک قهرمان مردمی بود.»، «سردار سلیمانی داعشی را جبهه به جبهه تعقیب می‌کرد تا مستقیم پنجه در پنجه آنها بیندازد. اگر راه بسته بود، با هلیکوپتر در وسط شهرهای محاصره شده فرود می‌آمد و با هر امکاناتی که بود در خط مقدم با آنها می‌جنگید. سردار سلیمانی جهان را از شر داعش نجات داد. اما نه از راه دور.»، «جاودانه باد نام آنان که ملت ما را زیر یک پرچم متحد کردند. جاودانه باد نام آنان که جان شان را فدای ملت کردند.»، «من تا ابد، ساعت ۱:۲۰ دقیقه بامداد جمعه‌ها، دلم هری می‌ریزد و خواهم ترسید.»، «یک سال گذشته ولی هنوز از شوک این داغ رها نشدم/نشدیم»، «یک سال گذشت...اما آن روز هنوز تمام نشده است انگار! ۱۳ دی ۱۳۹۸ فرودگاه بغداد ساعت ۲۰ و ۱ دقیقه بامداد.»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

## هوا نیست

**ماجرا**

چندین روز است که کاربران ایرانی به آلودگی هوا اعتراض می‌کنند و منتظر تصمیمی هستند که این مشکل را حل کند. بحث‌هایی که درباره سوزاندن مازوت و نقش آن در آلودگی هوا بود دیروز با حرف‌های معاون سازمان حفاظت محیط زیست که گفت بر اساس آخرین آمار از روزهای ابتدایی هفته گذشته تعدادی از نیروگاه‌ها در تهران نیز به سمت مازوت‌سوزی رفته‌اند، تأیید شد. او گفت با نوشتن نامه‌ای به دادستانی خواستار توقف این کار شده‌اند اما کاربران با نوشتن حال بد خودشان و فضای شهر خواستار تصمیم جدی درباره این موضوع هستند: «از قرمزی کرونا دراومدیم، صاف افتادیم تو قرمزی آلودگی هوا»، «می گویند علت آلودگی هوای تهران مصرف سوخت مازوت در نیروگاه هاست. بعد پیشنهاد تعطیلی دو روزه همه کسب و کارهای دولتی و مشتری برای مازوت ایران. دیگه نمی تونیم نفس بکشیم.»، «شورای شهر تهران در یک طرح دو فوریتی برای حل مشکل آلودگی هوای تهران نام یک خیابان را به مازوت تغییر داد.»، «استفاده از مازوت را متوقف کنید. شهر خفه شد»، «پنج روز آینده، شهرهای بزرگ کشور دچار ایستایی هوا و آلودگی کشنده هستند. با گذشت پنج دهه از آشکار شدن آلودگی هوا در تهران و با وجود تعدد مراکز تصمیم‌گیری هیچ نهادی مسئولیت رفع آن را به عهده نمی‌گیرد و در نهایت جان مردم بی‌ارزش است، وگرنه متوقف کردن مصرف مازوت با یک دستور شدنی است.»، «الهی شکر آلودگی هوا تو صفحه‌های یک روزنامه‌ها جا نداشت؛ تکراریه بالاخره.»، «تهران نفس نمی‌کشد، از بس اکسیژن ندارد.»، «در ساعت ۱۱ صبح امروز - ۱۳ دی ۱۳۹۹ - فقط در دو نقطه شاخص آلودگی هوا در شرایط قابل قبول - نقاط زردرنگ - بود؛ آن هم اطراف میدان امام خمینی. در عوض در برخی مناطق شمالی، غربی و بویژه شرقی تا ۱۸۰ شاخص آلودگی افزایش یافته و در ایستگاه باقرشهر در جنوب تهران به ۱۸۴ رسیده است.»، «این هرچی هست هوا نیست! نمی‌دونم چیه! و نمی‌دونم چرا تعطیل نمی‌کنن»، «دیشب با حس خفگی از خواب پریدم، در حالی که من در هفته فقط یکی، دو روز از خانه خارج شدم. هر روز صبح که بیدار می‌شم پرده رو می‌زنم کنار و از هوای تاریک و کدر بیرون غمم می‌گیره. فشار روانی و جسمی آلودگی هوا به هزار تا درد و نگرانی دیگه اضافه شده.»، «هوای تهران کنار تاکسی ایستاده به جدول مندلیف که توی ماشین نشسته میگه: دو تا عنصر دیگه بزنیم، حرکت می‌کنیم.»

خصوصی و ادارات را داده‌اند. طنز از این شیرین‌تر! بی‌ربطی از این تلخ تر!»، «مشکل آلودگی‌های تهران هم این گونه حل می‌شود ممنوعیت تردد از ساعت ۴ صبح تا ۹ شب»، «می‌خوام بیفتم دنبال

**عکس نوشت**

**شهید قاسم سلیمانی پس از خواندن کتاب «من زنده‌ام!» نوشته معصومه آباد درباره دوران چهارساله اسارتش دو یادداشت برای معصومه آباد نوشت. در نخستین یادداشت سردار سلیمانی می خوانیم: «بسمه تعالی. خواهرم، مثل همان برادرهای اسیرت همه جا با تعصب مراقبت می کردم کسی عکس روی جلد کتابت را نبیند. و در تمام کتاب با ناراحتی و استرس به دنبال این بودم که آیا کسی به شما جسارت کرد؟ آخر مجبور شدم روی عکست را با کاغذ بچسبانم تا نامحرمی او را نبیند. برادرت، بغداد، سلیمانی»**

**در دومین یادداشت شهید سلیمانی خطاب به معصومه آباد آمده است: «خواهر خوبم. در آن اسارت، اسارت را به اسارت گرفتی. سعی کن در این آزادی اسیر نشوی. ان شاءالله کتابت را به همه زبان‌ها ترجمه می کنم تا همه بدانند زینب بنت رسول الله، چگونه بوده است وقتی کنیز او معصومه اینگونه معصوم بوده است. به تو به عنوان خواهرم، به عنوان معرف دختر مسلمان شیعه، معرف ایران اسلامی، معرف تربیت خمینی افتخار می کنیم. حقیقتاً شگفت‌زده شدم و هزاران بار به تو و دوستانت مرحبا گفتم. ساعت ۲۳/ نینوا/ سلیمانی.»**

# سهم فراموش شده اقلیت های دینی از برنامه سازی های سیما

**یادداشت**

سید رضا صائمی
منتقد

در حالی که احترام به ادیان الهی و تقریب ادیان در قانون اساسی و نظام اخلاقی ما توصیه شده اما در برنامه سازی‌های تلویزیون چندان ردپایی از این توجه قابل ردیابی نیست. در واقع اقلیت‌های دینی مثل ارامنه که فارغ از هویت ملی و ایرانی واجد هویت مذهبی مورد تأیید و به رسمیت شناخته شده هستند اما چندان سهمی در تولیدات رسانه‌ای رسانه ملی ندارند. اگر از منظر مخاطب شناسی به این مسأله بنگریم بخشی از مخاطبان رادیو و تلویزیون، اقلیت‌های مذهبی و هموطنان مسیحی، یهودی یا زرتشتی هستند که نه تلویزیون خصوصی دارند نه دست‌کم برنامه‌ای با محتوا و محوریت مذهبی خود. شاید در سریالی یکی از شخصیت‌های قصه ارمنی باشد یا در یک برنامه تحلیلی از کارشناسی از اقلیت‌ها استفاده شود یا مسائل تاریخی و اعتقادی آنها در میزگردی مورد بحث و گفت‌وگو قرار بگیرد اما برنامه خاصی یا به اصطلاح ویژه برنامه‌ای ندارند. شاید فقدان تولیدات رسانه‌ای درباره اقلیت‌ها، منع قانونی داشته باشد و صدا وسیما مجوز قانونی این کار را نداشته باشد اما دست‌کم پرداختن به برخی مناسبت‌های آنها مثلاً عید کریسمس می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. از جمله تهیه یک گزارش خبری از هموطنان مسیحی درباره کریسمس و حال و هوا یا مراسم و مناسبت‌های آنها یا پوشش خبری آغاز سال میلادی جدید در بخش‌های های مختلف خبری یا دست‌کم تبریک به آنها در زیرنویس‌های تلویزیونی بدون اینکه هیچ کدام مصداق تبلیغ دینی پیدا کند. به نظر می‌رسد منع اصلی تلویزیون در نسبت با اقلیت‌ها همین مسأله باشد. مسأله تبلیغ ادیان دیگر از طریق رسانه ملی اما این نگاه بدبینانه به این موضوع است وگرنه می‌توان دست‌کم مستندی درباره آنها پخش یا تله فیلمی تولید کرد که به مسائل آنها می‌پردازد. حتی این آثار می‌تواند در راستای گفت‌وگوی ادیان و همدلی ایرانیان با مذاهب مختلف باشد. این عادلانه نیست که در برخی مناسبت‌ها مثلاً در انتخابات به حضور و مشارکت آنها یا برگزاری مراسم محرم و ادای احترام اقلیت‌ها به آیین‌های عاشورایی بپردازیم اما در پرداخت و پوشش مراسم و مناسبت‌های آنها در حد یک خبر یا گزارش خبری هم پرداخته نشود. آیا این به معنای نادیده گرفتن بخشی از مخاطبان تلویزیون یا نادیده گرفتن بخشی از ایرانیان نیست! وقتی از رسانه ملی حرف می‌زنیم باید همه مخاطبان ملی را فارغ از هویت قومی یا مذهبی آنها در نظر بگیریم. فارغ از این مسأله ما با یک رخداد جهانی به‌عنوان آغاز سال میلادی مواجه هستیم که از منظرهای مختلف تاریخی، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی قابل پردازش است. اما کمترشاهد پرداختن به این اتفاق و بازنمایی آن در قاب تلویزیون هستیم. در حالی که بسیاری از رسانه‌های دنیا به پوشش و بازتاب عید نوروز و مناسبت‌های آن می‌پردازند. ضمن اینکه مناسبت‌های این چنین که اغلب سویه فرهنگی و اجتماعی دارد، بزنگاه های مناسبی برای تبلیغ همدلی و صلح طلبی و نوع دوستی است. فرصتی برای تبلیغ و ارسال پیام صلح و گفت‌وگو و آشتی میان ادیان از طریق رسانه ملی. در این میان البته نقش رسانه‌های برون مرزی بیش از شبکه‌های داخلی است و آنها از ظرفیت و ضرورت بیشتری برای پرداخت به این مسأله برخوردارند. به نظر می‌رسد فارغ از اختلافات و تفاوت‌های مذهبی و اعتقادی و در چارچوب قوانین کشور که مبتنی بر احترام بر مذاهب و ادیان الهی است، صداوسیما باید تمهیدات رسانه‌ای معقولی در ارتباط با این مسأله طراحی و اجرا کند.

با معرفی کتاب «اندیشه‌های یک مدیر تراز»
نوشته عیسی بزرگ‌زاده/ نشر حکمت کلمه

## تئاتر؛ هنری عامل

**پیاده‌رو**

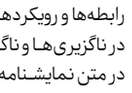

ارمغان بهداروند
شاعر

«اندیشه‌های یک مدیر تراز» عنوان دفتری نمایشی است که به قلم «عیسی بزرگ‌زاده» نوشته و انتشارات «حکمت کلمه» آن را منتشر کرده است. آن چه که می‌تواند وجه تمایز این اثر معرفی گردد، تأثیر «کاروزی هنر» در گفتمان مدیریت است. زادگاه ذهنی این دو نمایشنامه، تجربیات مستقیم و مواجهات اجتماعی مدیری است که در سیر متون نمایشی خود، صریح و نقادانه به نظام اداری و کیفیت نامنضبط تصمیم‌گیری‌ها و فرآیند انتخاب افراد اعتراض می‌کند و با احضار آدم‌هایی که عموماً مخاطب با الگوهای رفتاری آنها آشناست، نمایی عام از موقعیت و وضعیت مدنظر را به نمایش می‌گذارد و در خلال تعریف رابطه‌ها و رویکردها، سهولت تصحیح اغلاط مصطلح و درست‌اندیشی خاصه در ناگزیری‌ها و ناگریزی‌ها را یادآور می‌شود. بزرگ‌زاده با به کارگیری نمادهایی در متن نمایشنامه‌ها که ارجاعاتی آشنا در روزگار ما دارند، شاید مخاطره کرده باشد اما صداقت و صراحتی که در خلق واقعیات و طرح مسأله به خرج می‌دهد، مخاطب را به مقصد متن مشتاق می‌کند و قدم به قدم با او در فراز و فرودهای حقیقی و غیرحقیقی همسفر می‌شود. این دو نمایشنامه می‌تواند تأکیدی بر نقش متمایز و تفرد وجودی تئاتر در حوزه‌های متنوع فردی و اجتماعی هم چون آموزشی، درمانی، شهروندی و امدادی در چند دهه اخیر تلقی شود و خود را به مثابه مصداقی مؤثر از مصادیق توسعه و تعالی جامعه شهری معرفی کند.

«اندیشه‌های یک مدیر تراز» با دیده‌بانی الگوها و آسیب‌های محیطی، پرورش شهروندانی مسئولیت‌پذیر را در اندیشه دارد چرا که مؤلف به گواه متن معتقد است؛ زندگی شهری، همزیستی مردمانی است که بی‌حمایت و همراهی خویش، نخواهند توانست بر ابتلائات و مصایب روزگار خویش فائق آیند. اندیشه‌ای که به غنیمت تئاتر، قاطعانه‌تر می‌تواند ترویج شود که ساختار انسانی و امتزاج ارواح و اذهان گوناگون بر صحنه، خود شکل و شمایلی از شهر و شهروندان است. انتخاب نمایشنامه برای انتقال این ذهنیت ناشی از جایگاه اجتماعی و اثربخشی متمایز «تئاتر» در مناسبات زیستی امروز است. هنری عامل که علاوه بر ارتقای فرهنگ شهروندی و نشاط بخشی شهروندان، می‌تواند زمینه‌ساز الگوآفرینی‌ها، تصحیح نابهنجاری‌ها و علاج آسیب‌های اجتماعی باشد. این کتاب با رویکرد «خودانتقادی» می‌تواند تجربه‌ای مغتنم در تصحیح وضعیت به مدد هنر باشد و ای کاش در آینده شاهد انتشار بیشتر چنین اتفاقاتی باشیم و دست آخر سطرهایی از این نمایشنامه که گواه آن مخاطره باشد:

پدر: همیشه عده‌ای هستند که تخصص آنها در نزدیک شدن به مرکز قدرت است! طرف برنده‌اند! روی آنها حساب کن. آنها کمک می‌کنند تا جا بیفتی! بعد از کمی مکث می‌گوید: قبلاً هم که گفتم. نظم داشته باش، فاصله‌ات را با دیگران حفظ کن، با رسانه‌ها بد تا نکن. تا مدتی بیشتر شنونده باش، جملات کوتاه بگو. نظر خودت را در قالب سؤال و نظرخواهی بگو. هیچ کس را نه تأیید کامل کن نه تکذیب. نگذار دستت رو شود، هندوانه دربسته باش!

## داستان زنانی قهرمان

**پیشنهاد**

«زندگی اسرارآمیز» نخستین اثر سو مانک کید از جمله رمان‌هایی است که در آن شخصیت‌های داستانی تماماً زنانی قدرتمند هستند. زنانی که فراتر از نژاد و رنگ پوستشان در مواجهه با مشکلات زندگی قدرتمندانه ایستادگی می‌کنند و تا انتها در کنار هم قرار می‌گیرند.

سومانک کید که اهل سیلوستر جورجیای امریکاست، از همان ابتدا نویسنده نبود. او پس از اینکه از دانشگاه کریستیان تگزاس فارغ‌التحصیل می‌شود به پرستاری و تدریس در دانشگاه می‌پردازد. اما از آنجایی که به نوشتن علاقه زیادی داشته در دوره‌های نویسندگی دانشگاه اموری و دانشکده اندرسون شرکت می‌کند و حاصل این تلاش اولین رمانش با نام زندگی اسرارآمیز می‌شود که اولین و مشهورترین رمان او است.

این رمان در زمان انتشار خود در سال ۲۰۰۲ به یک پدیده در ادبیات امریکا تبدیل شد و تا ۲ سال ونیم در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های نیویورک تایمز قرار گرفت و به ۳۶ زبان ترجمه شد.

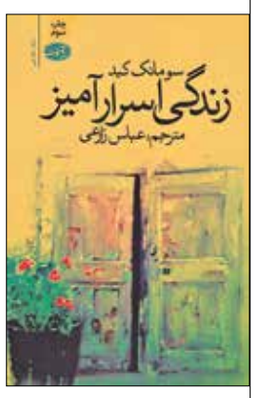

داستان زندگی اسرارآمیز از اتاق دختری چهارده ساله آغاز می‌شود که در آن یک زنبور عسل زندگی می‌کند. لی لی از همان کودکی زندگی‌اش با زندگی شگفت انگیز زنبورهای عسل گره خورده است. داستان این رمان اسرار مبهم کشته شدن مادر لی لی را قدم به قدم موشکافی می‌کند تا آنچه ذهن کودکانه لی لی را اینگونه به خود مشغول داشته از حالت ابهام درآید. روایت تاریخی رمان با نوعی عرفان عجین شده است عرفانی که به زنان این رمان فارغ از رنگ پوستشان نوعی قدرت اسرارآمیز می‌بخشد تا در مقابل مشکلاتشان بایستند.

ماجرای رمان که در سال ۱۹۶۴ در کارولینای جنوبی اتفاق می‌افتد، از روزگاری آغاز می‌شود که لی لی با پدری نامهربان و پرستاری سیاه پوست به‌نام روزالین زندگی نسبتاً کسالت باری را می‌گذرانده. اما روزی روزالین با سه مرد سفیدپوست و نژادپرست درگیر می‌شود و به بازداشتگاه می‌رود و ماجرا از اینجا آغاز می‌شود که لی لی تصمیم می گیرد او را نجات دهد و از آنجا به شهری دیگر فرار کنند.

■ **زندگی اسرارآمیز**
■ **نویسنده: سومانک کید**
■ **مترجم: عباس زارعی**
■ **نشر آموت**

**به نام تاریخ**

■ **۱۴دی**

۲۹۰ روز از سال ۹۹ گذشته و امروز نام‌های مشهور زیادی را در تقویم می‌بینیم که سالروز تولد یا درگذشت‌شان ثبت شده است.

■ **تولدها**

**حسین الهی قمشه‌ای:** نویسنده و مترجمی که با سخنرانی‌های عرفانی و ادبی‌اش او را می‌شناسید سال ۱۳۱۸ در چنین روزی به دنیا آمد. پدر حسین الهی قمشه‌ای فیلسوف و شاعر و استاد دانشگاه بود و خودش هم در دانشکده الهیات تحصیل کرد و پس از آن تحصیلات حوزوی را ادامه داد. او در زبان و ادبیات فارسی و عربی و اشعار عرفانی نظامی، مولانا، سعدی، حافظ و شیخ محمود شبستری تحقیق می‌کند و کتاب‌های زیادی در این زمینه‌ها دارد که «گزیده فیه ما فیه»، «مقدمه و تصحیح دیوان حافظ»، «گزیده منطق الطیر»، «شرح گلشن راز»، «یاد یار مهربان»، «رباعیات حکیم عمر خیام»، «۳۶۵ روز با مولانا»، «گنجینه آشنا» و «ترانه‌های باباطاهر عریان» بخشی از آنهاست. او برای آشنا کردن مردم و بخصوص جوانان با عرفان و ادبیات سخنرانی‌های زیادی انجام داده که هنوزهم بسیار پرطرفدار است. الهی قمشه‌ای آثاری هم در نقاشی و خوشنویسی دارد.

**مل گیبسون:** کارگردان مشهور امریکایی فیلم‌هایی مانند «شجاع دل» و «مصایب مسیح» امروز ۶۵ ساله می‌شود. مل گیبسون پس‌از مهاجرت خانواده‌اش از امریکا به استرالیا در این کشور در رشته بازیگری تحصیل و کارش را در سینما با بازیگری آغاز کرد. با فیلم‌هایی مانند «مکس دیوانه»، «تیم»، «واکنش زنجیره‌ای»، «رودخانه»، «اسلحه مرگبار» و «هملت». فیلم «مرد بدون چهره» اولین تجربه کارگردانی او در سال ۱۹۹۳ بود و برایش جایزه جشنواره هنرمندان جوان را هم برد و دو سال بعد با فیلم «شجاع دل» به شهرت بیشتری رسید و جایزه اسکار را هم برایش گرفت. فیلمی که خودش هم در آن بازی می‌کرد. «مصایب مسیح» در سال ۲۰۰۴ دیگر فیلم مهم گیبسون است که به‌عنوان جنجالی‌ترین فیلم تاریخ سینما و پرفروش‌ترین فیلم غیرانگلیسی زبان انتخاب شد. «آپوکالیپتو» و «ستیغ هک سا» دیگر فیلم‌های گیبسون در این چند سال بودند که بسیار مورد توجه قرار گرفتند. او بازیگری را هم همچنان ادامه می‌دهد و در این سال‌ها در فیلم‌هایی مانند «لبه تاریکی»، «خون بها»، «تقاص» و «پروفسور و مرد دیوانه» بازی کرده است.

**سرجیو لئونه:** کارگردان مطرح ایتالیایی و بنیانگذار ژانر وسترن اسپاگتی سال ۱۹۲۹ در چنین روزی به‌دنیا آمد. پدر سرجیو لئونه کارگردان و مادرش بازیگر بود و خودش از ۱۸ سالگی کار در سینما را به‌صورت جدی آغاز کرد. او سال ۱۹۴۸ در فیلم «دزد دوچرخه» دستیار ویتوریو دسیکا کارگردان این فیلم بود و پس از آن در فیلم‌های مطرحی مانند «چینه چیتا»، «کجا می‌روی» و «بن هور» دستیار کارگردان شد. «آخرین روزهای پمپئی» در سال ۱۹۵۹ نخستین فیلمی بود که با کارگردانی او ساخته شد و پس از آن هم «غول رودس» را ساخت اما در سال ۱۹۶۴ شروع به ساختن سه گانه مشهورش کرد. یعنی «به خاطر یک مشت دلار»، «به خاطر چند دلار بیشتر» و «خوب، بد، زشت» که از فیلم‌های مطرح دنیا هستند و با نام وسترن اسپاگتی شناخته می‌شوند. فیلم‌هایی با حال و هوای وسترن که منتقدان آنها را سطح پایین‌تر از وسترن‌های امریکایی می‌دانستند. «روزی روزگاری در غرب»، «سرت را بدزد، احمق» «به من می‌گویند هیچ کس»، «یک نابغه، دو شریک و یک ساده دل» و «روزی روزگاری در امریکا» دیگر فیلم‌های او بودند. سرجیو لئونه سال ۱۹۸۹ درگذشت.

● **جی. آر. آر. تالکین** نویسنده بریتانیایی، **یوسف صدیق** کارگردان، **سیما بینا** خواننده، **فریبا کامران** بازیگر، **آرش عباسی** نمایشنامه‌نویس و کارگردان، **یوکیو میشیما** نمایشنامه‌نویس ژاپنی، **سارا محمدی اردهالی** شاعر و **فریده نصوحی** شاعر هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

**حشمت سنجری:** آهنگساز و رهبر ارکستر ایرانی سال ۱۳۷۳ درگذشت. حشمت سنجری متولد سال ۱۲۹۶ و پدرش از نوازندگان مشهور تار در زمان خودش بود. او از ۴ سالگی از پدرش نواختن تار را آموخت و پس از آشنایی با نت‌نویسی نواختن ویولن را آغاز کرد و از ابوالحسن صبا و روح‌الله خالقی ردیف موسیقی ایرانی را یاد گرفت. او پس‌از علاقه‌مند شدن به رهبری ارکستر به اروپا رفت و در اتریش، هلند و ایتالیا تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶، ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۱ و ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ رهبر دائم ارکستر سمفونیک تهران بود. از سنجری آثاری مانند «رنگارنگ»، «سوئیت تابلوهای ایرانی»، «پوئم سمفونی روی تم‌های زورخانه با اشعار شاهنامه»، «قهرمانان آسیا» و «به امید دیدار» به جا مانده است.

● **استپان گریگوری سانوسیان** نوازنده ویولن و رهبر گروه کر هم در چنین روزی درگذشت.